



وقتی آدم به چیزی غیر از آدم تبدیل می شود!



وقتی نوزاد یک قورباغه را می بینید

(با این که اصلاً شبیه به قورباغه نیست) می دانید که قورباغه می شود.

حالا لطفاً سوال های من را جواب بدهید:

نوزاد یک شیر تبدیل می شود به شیر؟ درست است!

نوزاد یک مار تبدیل می شود به مار؟ معلوم است!

نوزاد خرگوش تبدیل می شود به خرگوش؟ البته

نوزاد آدمیزاد تبدیل می شود به آدمیزاد. بله؟ نه؟ البته که نه!

فکر می کنم آدمیزاد تنها موجودی توی دنیاست که وقتی نوزاد است آدم است، بعد همین طور که بزرگ می شود تغییر می کند. بعضی ها همین طور که بزرگ می شوند، شروع می کنند به شاخ در آوردن. بعضی ها دندان هایشان بزرگ می شود و یک کیسه ی زهر هم زیرش رشد می کند و فعال می شود. بعضی ها دم درمی آورند! بعضی ها چنگال و پنجه هایشان تیز می شود. دیده ای بعضی ها از کنار دیگران (آدم، درخت، حیوان هر چی) رد می شوند آن را زخمی می کنند؟ انگار شاخ می زنند یا پنجول می کشند! بعضی ها دهان شان را که باز می کنند دندان های نیش شان تا ته فرو می رود توی قلب طرف مقابل و حرف هایشان آدم را مسموم می کند!

بعضی از نوزادان آدم همین طور که بزرگ می شوند جوری تغییر می کنند که اصلاً نمی شود شناخت شان، مثلاً می شوند یک قالب گنده ی سیمانی.

بعضی ها هم جور دیگری تغییر می کنند. می شوند درخت؛ دوروبر شان را پر از سایه و میوه می کنند. مردم به آن ها تکیه می کنند تا خستگی شان در برود. از میوه هایشان می خورند. بعضی ها می شوند آفتاب؛ دوروبر شان را روشن می کنند. و من دلم می خواهد از آدم هایی با شما حرف بزنم که اول اول مثل همه نوزاد آدمیزاد بودند، کوچولو، کمی بامزه، کمی نق نقو، بعد بزرگتر شدند. شدند چند تا بچه ی شوخ و شیطان درس خوان یا شلوغ و حواس پرت نمی دانم. اما با کلی آرزو. یک روز وقتی لازم شد آرزو هایشان را فراموش کردند تا به خاطر آرامش دیگران، به خاطر نجات چیزهای خوب، برای این که دیگران آزاد و خوشحال باشند بجنگند. وقتی می شد بترسند، نترسیدند، وقتی می شد فرار کنند، ماندند، حتی وقتی تنها بودند و به نظر می رسید تنها راه تسلیم شدن است باز هم ایستادند. کم کم تغییر کردند، شدند شبیه آدم های خوب، شبیه درخت، بعد شبیه قهرمان های قصه ها، بعد کم کم بیش تر از آدم شبیه فرشته ها شدند. بال در آوردند. فکر می کنم برای این که یک روز خدای نکرده زبانم لال حواسمان پرت نشود و ببینیم شده ایم شبیه دیوها، جادو گر ها یا خون آشام ها یا شبیه قالب های بزرگ سیمانی، باید درباره شان بیش تر بدانیم. باید صورت هایشان را بشناسیم. اسم هایشان را بلد باشیم. این خیلی مهم است چون آن ها هستند که هی یادمان می آورند که آدمیزاد می تواند به هر چیزی تبدیل شود! حتی به نوری که دنیا را روشن می کند.

مرجان فولادوند

• تصویر گر: مهدیه صفائی نیا